

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال سیزدهم، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۰

صفحات: ۲۰۱-۱۷۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱

مقاله: پژوهشی

تأثیر متغیر فرد و ساختار بر نگرش ترکیه به روسیه؛ مطالعه موردی دوره حزب عدالت و توسعه

محبوبه روحی*

چکیده

روابط ترکیه با روسیه در طول تاریخ متأثر از عوامل متعددی تحولات بسیاری به خود دیده است. اما از دوره به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه این روابط تغییرات بزرگی را تجربه کرده است که به هیچ وجه نمی توان آن را ناگهانی و بدون پیش زمینه تصور کرد. در شکل گیری این دوران طلایی روابط دوجانبه، گرایش ترکیه به توسعه دوستانه آن امری غیرقابل انکار است. در میان علل مختلف در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به نظر می‌رسد دو عامل فرد تصمیم‌گیرنده و ساختار بیش از همه در هموار کردن تلاش ترکیه برای این نوع روابط نقش داشته است. بنابراین سوال اصلی این مقاله آن است که دو متغیر فرد و ساختار چه تأثیری بر روابط ترکیه با روسیه داشته‌اند؟ نتایج حاصل از پژوهش با بررسی نمودهای عینی تأثیر این دو متغیر حاکی از آن است که این دو عامل زمینه تغییر نگرش ترکیه به روسیه از قالب حداکثری تقابلی و دشمن‌گونه به قالب حداقلی تعاملی و دوستانه را فراهم آورده است.

کلیدواژه‌ها: روابط ترکیه - روسیه؛ جیمز روزنا؛ متغیر فرد؛ متغیر ساختار؛ حزب عدالت و توسعه.

* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران (نویسنده مسؤول).

mroohi2002@gmail.com

مقدمه

روابط بین ترکیه و روسیه به گونه‌ای بوده که به سادگی اجازه تبیین آن را به محقق نمی‌دهد. چرا که این دو از یک سو رقبای تاریخی بوده‌اند و هنوز هم همین رقابت در بسیاری از حوزه‌های نفوذ بر روابط آن‌ها تأثیرگذار است. از طرف دیگر دلایلی مانند روابط اقتصادی به خصوص در حوزه انرژی آن‌ها را به سمت‌وسوی هم متمایل می‌کند. در واقع باید گفت ترکیه و روسیه به دلایل متعددی در طول تاریخ روابط پرفراز و نشیبی داشته‌اند. در دوره‌ی امپراطوری‌ها روابط این دو مبتنی بر تنش و جنگ بود. با سقوط امپراطوری عثمانی و سپس استقلال ترکیه و پس از آن در تمام دوران جنگ سرد عضویت در اردوگاه غرب اصل اساسی سیاست خارجی این کشور بود و همین امر منجر به تقابل با شوروی و روابط سرد و بی‌روح آن با این کشور شد. پایان جنگ سرد مرحله دیگری از روابط ترکیه با روسیه در قالب رویارویی آشکار و گاه پنهان بود. اما آغاز قرن بیست‌ویک و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه شروع روابط تازه‌ای با روسیه بود که می‌توان آن را سطح استثنایی از تاریخ روابط دو کشور قلمداد کرد. به طوری که در آغاز این دوره پوتین اولین رهبر روسی بود که پس از ۳۲ سال از ترکیه دیدن کرد. این مسیر جدید مبتنی بر تحول روابط دو کشور از رقبای حداکثری به دوستان حداقلی اگرچه در گرو عوامل متعددی است اما به نظر دو عامل فرد و ساختار عللی محسوب می‌شوند که زمینه‌ساز اصلی این تحول بوده‌اند. بر پایه این مفروض و درچارچوب نظریه روزنا سوال اصلی این پژوهش آن است که؛ دو متغیر فرد و ساختار چه تأثیری بر روابط ترکیه با روسیه داشته‌اند؟

در خصوص پیشینه پژوهش اثر مستقلی که به این موضوع به طور خاص پرداخته باشد تاکنون نگاشته نشده است. اما در خلال آثار متعدد انجام شده در حوزه روابط ترکیه با روسیه که بعضاً تأثیرات افراد کارگزار و یا ساختار به صورت جزئی مورد توجه قرار گرفته است چندین خلاء پژوهشی وجود داشت. اولاً این که غالب این تالیفات روابط دو کشور را به گونه توصیفی و نقلی بیان کرده‌اند و به عبارتی دچار کلی‌گویی بودند. در ثانی تقریباً در هیچ کدام این مساله که در چه شرایطی کدام عوامل در نگرش و کنش ترکیه نسبت به روسیه غالب بوده‌اند بیان نشده و نوآوری این مقاله نسبت به آثار قبلی نیز تبیین همین مسأله یعنی بررسی عوامل غالب در کنش ترکیه به روسیه طی دو دهه اخیر می‌باشد. برای پاسخ به این مسأله مقاله ضمن استفاده از رویکرد نظری روزنا، ابتدا سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و همچنین روابط ترکیه با روسیه در دوره این حزب را مورد بررسی قرار خواهد داد. سپس به تبیین تأثیر متغیر فرد و

ساختار با تأکید بر جزئیات این دو متغیر می‌پردازد و در نهایت نیز به نوعی آینده روابط این دو کشور را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱. چارچوب تئوریک؛ سطح تحلیل تلفیقی

جیمز روزنا مهمترین متفکر سطح تحلیل تلفیقی است. او معتقد بود که نظریه‌پردازی‌های غالب در حوزه سیاست خارجی به شدت ساده‌اندیشانه و ایستا هستند. علاوه بر این، نوع سابق نظریه‌پردازی صرفاً به تعیین منابع رفتار سیاست خارجی بسنده می‌کرد و هیچ‌گونه اقدامی جهت توضیح ماهیت رفتار سیاست خارجی به عمل نمی‌آورد (سیف‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۰۳). در حالی که از نظر روزنا مسأله‌ای که باید به آن توجه کرد آن است که فرآیندهای موثر بر سیاست خارجی چرا و چگونه و تحت چه شرایطی عملیاتی می‌شوند و در چه شرایطی تأثیر ندارند و علاوه بر این کدام عوامل بر سایر عوامل دیگر غالب می‌شوند (Rosenau, 1971: 98-99). برای تعیین این مولفه‌ها روزنا در سطح داخلی چهار عامل متغیر فرد، نقش، نوع حکومت، جامعه مدنی و در سطح کلان به عامل سیستمی اشاره می‌کند. او این متغیرها را این گونه توصیف می‌نماید؛

- متغیر فرد: متغیر فرد در بردارنده ابعاد مختلف فرد تصمیم‌گیر یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات او است.

- متغیر نقش: به معنای تأثیرگذاری پست است و به دو صورت بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد. اول از طریق ایجاد محدودیت‌های رفتاری بر تصمیم‌گیرندگان و دوم شکل‌دهی به رفتارهای سازمانی خاص و مستمر از راه ایجاد رویه‌های ثابت (کریمی فرد، افشاری و رحیمی، ۱۳۹۶: ۸۵).

- متغیر جامعه: این متغیر همه جوانب غیردولتی یک جامعه مانند میزان وحدت ملی، میزان صنعتی شدن؛ سازمان‌های غیردولتی و جهت‌گیری‌های ارزشی را شامل می‌شود که در روند اتخاذ تصمیمات سیاست خارجی دخیل می‌باشد (جلالی بارنجی، ۱۳۸۸: ۵۳).

- نوع حکومت: به معنی جنبه‌هایی از ساختار حکومتی است که گزینه‌های سیاست خارجی را محدود یا افزایش می‌دهد.

- متغیر سیستمی: ابعاد خارج از محیط یک دولت است که گزینه‌های سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Rosenau, 1971: 108-109).

هدف روزنا از طرح این عوامل چندگانه در دو سطح در قالب تئوری تلفیقی ارزیابی میزان نفوذ نسبی هر یک از این عوامل است که براساس نظر او در کشورهایمانند ترکیه که در حلقه کشورهای توسعه‌یافته و قدرت اول نیست دو متغیر فرد و نظام بین‌الملل تأثیر بیشتری بر سیاست خارجی آن دارد. باتوجه به غلبه و اقتدار افراد تصمیم‌گیر حزب عدالت و توسعه و نیز سست شدن پیوندهای این حزب در اثر عوامل متعدد با کارگزارانی مانند آمریکا و اتحادیه اروپا که نقش اصلی در ساخت نظام بین‌الملل دارند، چارچوب مورد نظر روزنا قالبی مناسب و گویا برای تبیین موضوع مورد پژوهش این مقاله است چرا که به خوبی توانایی نشان دادن کنش ترکیه نسبت به روسیه را از دریچه تأثیر این دو عامل دارد.

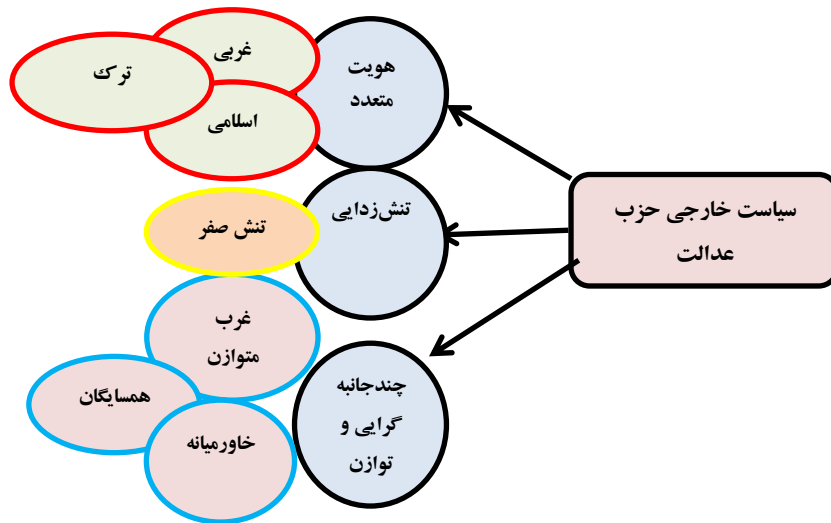
۲. سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

با فروپاشی عثمانی، سیاست خارجی ترکیه بر پایه ایدئولوژی کمالیسم^۱ یا آتاتورکیزم^۲ به وسیله مصطفی کمال آتاتورک به اجرا درآمد. ترکیه تحت این ایدئولوژی مدرن‌سازی عمده‌ای انجام داد و به مدت ۶۰ سال سیاست خارجی آن متکی بر شعار «صلح در خانه، صلح در خارج»^۳ کمالیسم بود (Yüksel, 2016: 13). از آن زمان تا قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت گفتمان سیاست خارجی ترکیه کاملاً غربی و نقش‌آفرینی آن نیز در همه مناطق با نقش آن به عنوان بخشی از غرب به شدت مرتبط بود (Aslan, Eralmac and Ozaydin, 2016: 20). سیاست خارجی ترکیه اما با به حاکمیت رسیدن حزب عدالت و توسعه تحت تأثیر ادراک شناختی افراد، عوامل سیاسی داخلی و عوامل سیستمیک دچار تحول اساسی شد (Dinc, 2012: 76). تحولی که این کشور را به دوران پساکمالیستی وارد و شامل سه لایه بود. در لایه اول حزب عدالت و توسعه یک پارادایم جدید سیاست خارجی را براساس اولویت‌بندی حداکثری ادغام و همکاری با کشورهای منطقه، به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و دیپلماسی دنبال کرد. در لایه دوم ترکیه شروع به تقویت مشارکت خود در خاورمیانه و کسب استقلال استراتژیک کرد و در سطح سوم رهبران ترک در پی آرمان ادغام منطقه‌ای برآمدند (Yesiltaş and Numan Telci, 2013: 3-4). سیاست خارجی فعال همراه با واقع‌نگری برآمده از این سه سطح به نوعی باعث چرخش اساسی ترکیه از نظام بین‌الملل به نظام

1. Kemalism
2. Ataturkism
3. Peace at Home, Peace Abroad

روابط تأثیر متغیر فرد و ساختار بر نگرش ترکیه به روسیه ...

منطقه‌ای شد. در مجموع می‌توان گفت حزب عدالت و توسعه در دو سطح اول با تأکید بر سیاست تنش صفر با همسایگان و نیز اصلاحات در سطح داخل جای پای خود را ثابت کرد و در لایه سوم پس از اطمینان از حوزه داخلی و منطقه‌ای و قدرت‌یابی در حوزه اقتصادی، به طور فعال و به اصطلاح درگیرانه در سطح منطقه‌ای و جهانی فعال شد و نقش یک بازیگر فعال را ایفا کرد که هدف اساسی آن نیز رسیدن به جایگاه استراتژیک بود (کشاورزشگری، ۱۳۹۱: ۱۵۴). گفتمان حزب عدالت برای رسیدن به این جایگاه ترکیبی از ابعاد و ظرفیت‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ترکیه است که در آن جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، شرق‌گرایی و غرب‌گرایی وجود دارد. برآمده از این جلوه‌های چندگانه رفتار خارجی این کشور، اهمیت دادن به توازن مناسبات آنکارا با بالکان، اعراب و غرب و جهان اسلام است (دانش‌نیا و هاشمی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۹). فرایند سیاست خارجی گفته شده از سوی حزب عدالت و توسعه را می‌توان بدین صورت نشان داد:



شکل ۱. مولفه‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

۳. روابط ترکیه و روسیه در دوره حزب عدالت و توسعه

روابط بین ترکیه و روسیه محصول دوره‌های تاریخی مختلفی است که مسیر پر پیچ و خمی را طی کرده است. این مسیر نشانه‌های عمیقی در حافظه تاریخی دو ملت به جا گذاشته است. چرا که از لحاظ تاریخی روابط این دو هیچ‌گاه خوب یا نزدیک نبوده بلکه همواره با اختلافات شدید همراه بوده است (Warhola and Mitchell, 2006: 128). حتی پس از فروپاشی شوروی با وجود این که روسیه پیوندهای اقتصادی قوی به خصوص در زمینه گردشگری و کالاهای مصرفی با ترکیه داشت ولی روابط آن‌ها با تغییر چشم‌انداز ژئوپلیتیک در این دوره باز پیچیده‌تر شد (Titov, 2015). در واقع روابط ترکیه با روسیه در مقاطع تاریخی گذشته در بهترین حالت روابطی سینوسی بوده که در آن همواره کفه رقابت سنگینی می‌کرده است. اما دوره حزب عدالت و توسعه را باید دوره طلایی روابط این دو کشور نامید چرا که بهبود روابط با روسیه از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی این حزب بود و توانست در این زمینه به موفقیت نسبی قابل توجه‌ای نیز دست یابد (Özbay, 2011:73).

اولین نشانه‌های آشکار و گام شروع بهبود روابط در این بازه‌ی زمانی، امضای «طرح اقدام برای همکاری در اوراسیا» در سال ۲۰۰۱ بود که در آن دو کشور یکدیگر را به عنوان قدرت‌های بزرگ اوراسیایی به رسمیت شناختند (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۹۵). در ادامه‌ی این روند مبتنی بر روابط دوستانه در سال ۲۰۰۴ پوتین به عنوان اولین رئیس دولت روسیه بعد از چهار دهه به آنکارا سفر کرد. همچنین در جولای ۲۰۰۵ اردوغان به عنوان نخست‌وزیر ترکیه در سوچی با پوتین دیدار کرد. در ادامه این رایزنی‌های دیپلماتیک در سال ۲۰۰۹ عبدالله گل به عنوان رئیس جمهور ترکیه به مسکو سفر کرد. سال پایانی این دهه اوج تفاهم سیاسی بین دو کشور ترکیه و روسیه بود. چرا که در ماه می ۲۰۱۰ شروع روابط برپایه «مشارکت استراتژیک آ» از سوی مقامات دو کشور اعلام شد (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۹۵). در این دوره ملاقات‌های متعدد بین مقامات دو کشور را می‌توان عامل مهمی در بهبود روابط دو کشور دانست، به طوری که در نتیجه این دیدارها در دسامبر سال ۲۰۱۰ ترکیه در سند امنیت ملی خود که از آن با عنوان «کتاب سفید» یاد می‌شود روسیه را از فهرست کشورهای بی‌ثباتی که برای آنکارا تهدید محسوب می‌شوند خارج کرد (اطهری، شعیب و علی‌پور، ۱۳۹۱: ۵). به این ترتیب می‌توان این دوره را

1. Action Plan for Cooperation in Eurasia
2. Strategic Partnership

دوران تعدیل رقابت و تقویت دوستی دو کشور نامید. البته باید ذکر کرد که این روابط مبتنی بر دوستی بین دو کشور در این دوره ریشه در دغدغه‌های امنیتی مشترک و همچنین منافع اقتصادی داشت که زمینه را برای همگرایی و نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور هموار کرد. اما فارغ از این که دلیل واقعی این نزدیکی چه باشد، مقامات روسیه و ترکیه در طول این دهه روابط مبتنی بر همکاری و پرهیز از تنش را در مسائل مختلف دنبال کردند و همین باعث شد تا در در موقعیت‌های سازگار قرار بگیرند (Demiryol, 2013: 5).

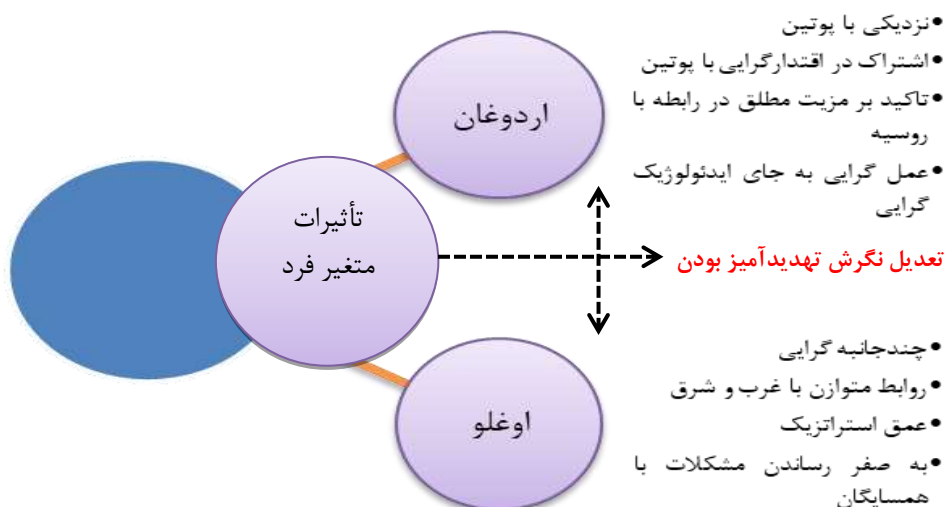
خلاصه آن که نگرش سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه به روسیه بر پایه بازتعریف روابط قرار گرفته بود و این امر زمینه بهبود روابط دوجانبه آن‌ها را فراهم آورد. البته این گسترش روابط به ویژه در حوزه اقتصادی بسیار چشمگیر بود ولی بُعد سیاسی آن هنوز شاهد احتیاط، ترس و رقابت دو طرف بود (حسینی، ابراهیمی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۲۸). به عنوان مثال تفاوت نگرش به بحران قره‌باغ و سوریه و در نهایت سقوط هواپیمای روسی به وسیله نیروی هوایی آنکارا و قطع روابط مقطعی دو طرف نشانه‌های همین رقابت و ترس در حوزه سیاسی بود. اما با این وجود پس از گذشت حدود ۷ ماه از این حادثه تمایلات و رفتارهای دوجانبه بین مقامات ترک و روس حاکی از اهمیت حفظ و تمایل آن‌ها به بازگشت روابط میان دو کشور بود. لذا پس از عذرخواهی ترکیه از این حادثه، اردوغان در ۸ اگوست ۲۰۱۶ در شهر سن پترزبرگ روسیه با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرد. این دیدار روابط دو کشور را بهبود بخشید و گام جدیدی در برقراری روابط و تعامل میان آن‌ها بود، چرا که جدای از دستاوردهای سیاسی و اقتصادی، وضعیت جدیدی در روابط دو کشور و سیاست‌های منطقه‌ای به همراه داشت و نشان داد دو طرف تمایلی به قطع روابطشان ندارند.

۴. تبیین نظری تأثیر متغیر فرد و ساختار بر روابط ترکیه با روسیه

۴-۱. متغیر فرد

نظریه‌های سنتی روابط بین‌الملل تأثیرات سیاسی متغیر فرد را نادیده می‌گیرند و به جای آن بر عوامل ساختاری به عنوان متغیری حیاتی در توضیح سیاست بین‌الملل تأکید دارند (Görener and Ucal, 2011: 359). این در حالی است که نظریه‌های مبتنی بر سطح خرد و نیز تلفیقی، متغیر فرد را دارنده نقش اول در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی می‌دانند که بدون شناخت آن، تبیین سیاست خارجی امری ناقص خواهد بود (روزنا، ۱۳۸۴: ۱۷۲). چرا که

فهم فرد به معنی فهم رفتار سیاسی کشور است و این امر جعبه سیاه دولت را رمزگشایی می‌کند. بنابراین فهم کنش ترکیه نسبت به روسیه بدون شناخت تأثیر عامل فرد کارگزار یعنی اردوغان و اوغلو به عنوان تصمیم‌گیران شکل‌دهی پایه‌ای جدید در روابط با روسیه که در شکل زیر نشان داده شده بی‌معنا خواهد بود.



شکل ۲. فرآیند تأثیر متغیر فرد بر رابطه ترکیه با روسیه

۴-۱-۱. رجب طیب اردوغان

روابط خارجی ترکیه به طور ویژه‌ای تحت تأثیر ادراک شخصی اردوغان بوده است (Aras, 2017: 6). به واقع اردوغان یکی از شگفت‌انگیزترین چهره‌های سیاسی ترکیه معاصر است. چرا که اگرچه در ترکیه فرهنگ سیاسی متأثر از رهبر مقتدر است، اما سلطه اردوغان بر فرایند سیاسی این کشور به سطحی رسیده که در تاریخ سیاسی مدرن آن به ندرت دیده می‌شود (Görener and Ucal, 2011: 357). این سلطه به اندازه‌ای است که او به عامل کلیدی تبدیل شده به طوری که سیاست بدون او همانند بدن بدون روح است (خلج‌منفرد، ۱۳۹۵: ۷۲-۶۹). بنابراین همان‌طور که بسیاری از محققان حوزه ترکیه معتقدند هیچ تحلیل‌کننده‌ای از سیاست‌های فعلی ترکیه بدون توجه به اردوغان نمی‌تواند وجود داشته باشد (Görener & Ucal, 2011: 357).

اردوغان در همه فرصت‌ها تمایل خود به افزایش تعداد متحدان و کاهش دشمنان ترکیه را ابراز می‌کند (Dalay, 2016: 6). روابط نزدیک اردوغان با پوتین نیز بخشی از همین استراتژی افزایش متحدان ترکیه است (Buhari-Gulmez, 2015: 2). نزدیکی اردوغان با پوتین به حدی است که رسانه‌های غربی اصطلاح «این دو برای یکدیگر ساخته شده‌اند» را درباره آن‌ها به کار برده‌اند (Şener, Alaranta & Dimitar, 2016: 6). این رابطه نزدیک باعث شده تا اردوغان همواره سعی کند خود را در مسأله انتخاب بین غرب و روسیه قرار ندهد. بر همین اساس هم در جریان بحران گرجستان اعلام کرد که آمریکا متحد ماست، اما روسیه هم همسایه مهمی است و ما نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم (Aras, 2009: 12).

همچنین اقتدارگرایی اردوغان وجه دیگری برای تسهیل گسترش روابط او با روسیه به شمار می‌آید. چرا که در فرهنگ سیاسی ترکیه، رهبران تسلط معناداری بر کارکرد حکومت و نظام حزبی خود دارند و لذا برداشت و درک اردوغان به عنوان رهبر حزب در تبیین رابطه با روسیه غیرقابل انکار است به ویژه همان‌طور که بیان شد او دارای اشتراک شخصیتی و نزدیکی خاصی با پوتین است. در این سطح، مسافرت او در سال ۲۰۰۲ به مسکو نشان از خواست وی برای تغییر اساسی در سیاست ترکیه نسبت به رقیب دیرینه بود. تمایل اردوغان به روسیه حتی در دوران پسابحران (۲۰۱۵) بیش از پیش شد (Ozertem, 2017: 133). مبنای این تمایل اردوغان را می‌توان در این شاخص خلاصه کرد که نگاه او برخلاف رهبران تاریخی ترکیه در رقابت با روسیه مبتنی بر دستاوردهای نسبی نبوده بلکه او همکاری با روسیه را در قالب مزیت مطلق تعریف می‌کند و بر این اساس دائماً دغدغه سنجش منافع کسب شده در مقایسه با روسیه را ندارد، چرا که منافع به دست آمده از این روابط به اندازه‌ای هست که به واقع تضمین ادامه روابط را در بر داشته باشد. به این ترتیب اردوغان به مانند دیگر اوراسیان‌گرایان نوین نه تنها دارای گرایش تند ضدروسی نیست بلکه همکاری با روسیه را برای ثبات منطقه ضروری می‌داند و در این مسیر او به عنوان رهبری عمل‌گرا اجازه نداده اختلاف نظرهای سیاسی مانع جدی در راه اراده ترکیه بر توسعه همکاری با روسیه باشد و همین باعث جایگزینی نگرش تهدیدآمیز دوره جنگ سرد با نیازهای امنیتی متقابل بین ترکیه و روسیه در دوره او شد.

۴-۱-۲. احمد داود اوغلو

داود اوغلو اندیشمند، سیاستمدار و متخصص مشهور روابط بین‌الملل ترکیه، مردی است که به خاطر ایده‌های خلاقانه خود به شهرت جهانی رسیده است. در همین ارتباط مجله معتبر

سیاست خارجی آمریکا، در سال ۲۰۱۱ او را در رده هفتم لیست سالانه صد متفکر برتر جهان قرار داد (Pajaziti, 2012: 45-46).

اوغلو به سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه بیش از هر فرد دیگری کمک کرده است. او در تدوین و اجرای سیاست خارجی ترکیه طی ۱۵ سال نقش کلیدی داشت (Oguzlu, 2016: 1). اوغلو برخلاف سیاست خارجی سنتی ترکیه که بر دو رکن حفظ وضع موجود^۱ و غرب‌گرایی^۲ استوار بود (Ali Sezal, 2016: 2)، اعتقاد داشت این کشور دارای عمق استراتژیک است که به آن امکان می‌دهد تا یک سیاست خارجی چندبعدی را اجرا و نقش مرکزی در سیاست جهانی ایفا کند (Grigoriadis, 2010: 4). به عبارتی تاریخ، جغرافیا، منابع انسانی و سرمایه اجتماعی کشورش ایجاب می‌کند تا نقش فعال‌تری را در نظام بین‌الملل به عهده بگیرد (Dalay, 2016: 4). او برای این ایفای نقش و بهبود قدرت ملی ترکیه نیز پیشنهاد کرد که باید روابط چندبعدی و سیاست خارجی چندجانبه اتخاذ کرد (Ekrem, 2016: 117). این چندجانبه‌گرایی بدین معنا بود که اوغلو معتقد بود ترکیه می‌تواند روابط خوبی با شرق و غرب به طور همزمان داشته باشد (Dalacoura, 2017: 2). این نگرش‌های کسینجر ترکیه^۳، باعث ایجاد تصویر فوق‌العادی در جهان از این کشور به عنوان بازیگر معتدل اسلامی شد (Pajaziti, 2012: 48).

برپایه دکترین عمق استراتژیک اوغلو معتقد بود ترکیه باید نقش رهبری مناطق پیرامونی خود را بر عهده گیرد و لازمه این امر «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» و روابط دوستانه با آن‌ها بود و یکی از این همسایگان و شاید مهمترین آن‌ها در این راستا روسیه تعریف شده است (مسعودنیا، نجفی و فروغی، ۱۳۹۱: ۷۰). تأکید اوغلو بر گسترش روابط با روسیه به اندازه‌ای بود که بعد از جنگ ۲۰۰۸ در قفقاز وی بلافاصله سعی کرد با این کشور روابط نزدیک‌تری برقرار کند. در راستای این هدف، ترکیه چارچوب امنیت و همکاری را پیشنهاد داد که به معنای آن بود که مسائل قفقاز جنوبی باید توسط قدرت‌های منطقه‌ای و بدون دخالت آمریکا حل شود. همچنین برپایه همین تمایل اوغلو، توافق غیرعلنی مبنی بر کمک روسیه با استفاده از نفوذ خود برای حل اختلاف‌های ارمنی-ترکی در ارمنستان حاصل شد (کرمی و نجفی، ۱۳۹۰: ۶۵).

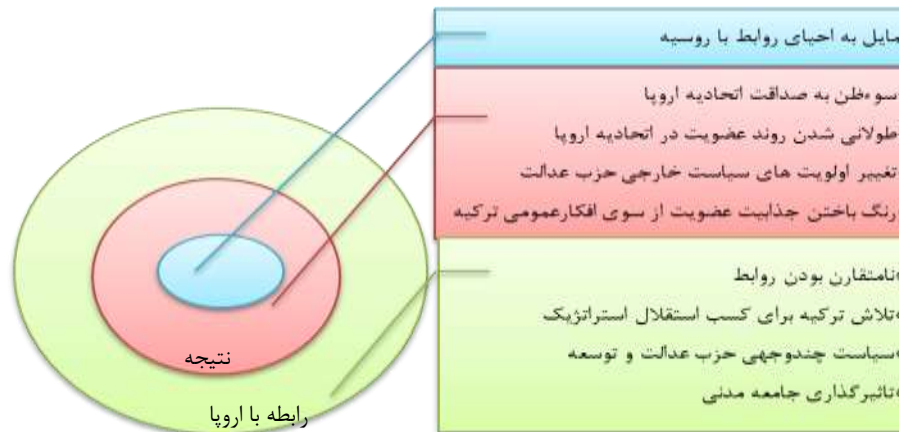
1. Maintaining the status-quo
2. Westernism
3. Turkish Kissinger

به واقع تأکید اوغلو به عنوان معمار سیاست خارجی ترکیه درباره روسیه این بود که تصاویر و پیش‌داری‌های منفی را موضوعی مربوط به گذشته بدانیم. این تغییر نگاه ترکیه را قادر ساخت تا سیاست خارجی را از زنجیرهای ملاحظاتی داخلی آزاد کند (Aras, 2009: 4). اوغلو بر پایه این نگرش، ترکیه و روسیه را به گفتگوهای صمیمی و آزادانه در خصوص مسائل مختلف وارد و پایه این تعامل را صداقت عنوان کرد و معتقد بود با ریشه‌کن کردن پیش‌داوری‌های گذشته و ایجاد اعتماد متقابل، همکاری با روسیه به یکی از مهمترین عناصر سیاست خارجی چندبعدی ترکیه تبدیل شده است (Ozbay, 2011: 78). این تأکید بر روابط با روسیه از سوی اوغلو به عنوان خلاصه مقیاس جهانی اصل به صفر رساندن مشکلات براساس محاسبات عقلانی و نه مسائل ایدئولوژیکی بود (Gulbahar Yelken, 2010: 70). می‌توان گفت مهمترین تأثیر اوغلو در سیاست خارجی ترکیه به خصوص در رابطه با روسیه آن بود که باعث تغییر رویکرد ترکیه به روسیه از تفکر هابزی به رویکرد متعادل کانتی شد. چرا که تأکید او بر اولویت قدرت نرم باعث شد مواجهه با روسیه در مسائلی که تاکنون با اقدامات سخت همراه بود، بسیار سازنده‌تر شود. بدین ترتیب روابط دو کشور برخلاف گذشته که تمایل به درگیری داشت به سوی همکاری گسترش یافت و مهمتر آن که سیاست خارجی آن‌ها از یک نگاه واقع‌گرایانه برد-باخت به نگاه برد-برد تغییر یافت (مفیدی‌احمدی و ذاکریان، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

۴-۲. متغیر ساختار

متغیر ساختار یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر کنش دولت‌ها است. این تأثیر می‌تواند در هر دو شکل مقدمات و محذورات باشد. در این روند بیشتر نیز بر بازیگرانی تأکید می‌شود که در تعیین هنجارها، اصول و قواعد ساختار ایجاد شده نقش اساسی دارند. چرا که این بازیگران با توجه به حیطة توانایی‌شان قدرت تعیین محدودیت‌ها یا فرصت‌های خاصی را برای سایرین به‌راحتی دارند. طبعاً ترکیه به عنوان کشوری که دارای اتحاد طولانی با ساختار غرب‌محور است و آتاتورک در خصوص همین اتحاد معتقد بود ما ترک‌ها همیشه به طرف غرب رفته‌ایم و برای تبدیل شدن به یک ملت متمدن راه دیگری جزء این وجود ندارد (Barchard, 1985: 19). روند تأثیرپذیری بیشتری از ناحیه این ساختار نیز دارد. در ادامه‌ی مسیر این اتحاد، در دوره اردوغان و اوغلو بسیاری از سیاست‌های ترکیه مانند نقش‌آفرینی در حل اختلاف اسرائیل و فلسطین، میانجیگری میان سوریه و اسرائیل، تلاش برای حل بحران هسته‌ای ایران، حمایت از توسعه اتحادیه اروپا و ناتو به سوی شرق و بالکان، تلاش در ایجاد روابط جدید با ارمنستان همگی در

راستای منافع امنیتی استراتژیک ساختار غرب محور بود (Oguzlu, 2016: 3). این امر باعث شده تا برخی همچون مصطفی انال^۱ روزنامه‌نگار ترکیه معتقد باشند تحلیل‌هایی که بهبود روابط ترکیه با روسیه را به عنوان جایگزین روابط با غرب تصور می‌کنند درست نیست. چرا که ترکیه در جهت درست با اتحادیه اروپا حرکت می‌کند، همکاری استراتژیک خود با آمریکا را تقویت می‌کند و در عین حال می‌تواند روابط با روسیه را نیز توسعه دهد (Warhola and Mitchell, 2006: 133). اما برخلاف این دیدگاه برخی از مفسران نیز تغییر سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه را با عنوان تغییر محور به معنی معطوف شدن ترکیه از غرب به شرق تفسیر کرده اند (Erdogan, 2017: 50). با وجود این دیدگاه‌های متفاوت، نکته غیرقابل کتمان آن است که رهبران حزب عدالت و توسعه به پشتوانه پیروزی‌های متعدد و نیز برپایه نگرش‌های ادراکی خود به اندازه کافی اعتماد به نفس داشتند تا بتوانند یک دگرگونی مبتنی بر هویت را در روابط با بازیگران بیرونی تنظیم کنند. به ویژه از سال ۲۰۰۸ به بعد با سرد شدن روابط با اتحادیه اروپا و افزایش اختلافات با آمریکا، ترکیه جستجوی مستمر برای این دگرگونی هویتی و استقلال استراتژیک را آغاز کرد. براین اساس تنش در روابط با ایالات متحده و کمرنگ شدن چشم‌انداز پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، تصمیم‌گیران این کشور را به سرمایه‌گذاری بیشتر برای بهبود روابط با روسیه سوق داده است. به این معنا هرچه ترکیه از ساختار بین‌المللی غرب محور دورتر شود به قدرت‌های غیرغربی مانند روسیه نزدیک‌تر می‌شود (Tarık Oğuzlu, 2018: 8). این فرآیند نزدیکی به روسیه را می‌توان در قالب تاثیر ساختار و ذیل دوری ترکیه از آمریکا و اتحادیه اروپا به عنوان بازیگران قدرتمند این ساختار بدین شکل نشان داد.



شکل ۳. فرآیند تأثیر ساختار بر رابطه ترکیه با روسیه

۴-۲-۱. روابط با آمریکا

روابط دوجانبه بین ترکیه و ایالات متحده اساساً بر اساس نیاز آمریکا برای یافتن متحد در خاورمیانه شکل گرفته است (Gulbahar Yelken, 2010: 22). این روابط مبتنی بر نیاز آمریکا از آن زمان به بعد با فراز و نشیب‌هایی همچنان ادامه یافته، اما در یک دهه اخیر، نقاط متعدد تنش‌زا در روابط دوجانبه ترکیه و آمریکا به وجود آمده است. یکی از مهمترین موارد منجر به دوری ترکیه از آمریکا نامتقارن بودن روابط دوجانبه آن‌ها به موازات اولویت سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در کسب بازیگری فعال منطقه‌ای است. به این معنا ترکیه قدرتی با منافع، نگرانی‌ها، اولویت‌ها و زمان‌بندی‌های منطقه‌ای است، حال آن‌که آمریکا به خاطر ماهیت ابرقدرتی خود محاسباتی جهانی دارد و اولویت‌های آن با سرعت بیشتری تغییر می‌کند (باقری‌دولت‌آبادی و نوروزی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

مورد دیگر در پیوست به عامل اول به عنوان عامل دوری ترکیه از آمریکا جهت‌گیری استراتژیک ترکیه است. در این خصوص بسیاری معتقدند احساس ترکیه از رفتار آمریکا در نگرش به این کشور به عنوان متحدی کوچک آن را سرخورده کرده و همین باعث تنوع بیشتر سیاست خارجی این کشور و جستجوی روش‌های مبتنی بر جایگزین شده است. یکی از مهمترین این جایگزین‌ها گرایش به روسیه است، به ویژه که پوتین نیز به شدت بر روابط با ترکیه به عنوان

یکی از راهبردهای ایجاد توازن با غرب تاکید دارد (حسینی، ابراهیمی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۲۷). رد لایحه عبور سربازان آمریکایی از خاک ترکیه در جنگ با عراق، قرارداد خرید S-400 از این کشور در دسامبر ۲۰۱۷ از مهمترین نمودهای دوری ترکیه از آمریکا تلقی می‌گردد (Zanotti & Thomas, 2018: 13-16). نمونه بسیار تازه‌تر همین گرایش به دوری از آمریکا، پس از کودتا علیه اردوغان صورت گرفت. چرا که اردوغان قدرت‌های غربی را دشمنان مردم ترکیه اعلام کرد و عملاً ایالات متحده را متهم به حمایت از کودتا کرد. این امر باعث ایجاد احساسات ضد غربی در میان بخش‌های وسیعی از مردم ترکیه شد (Zarakol, 2016: 2).

در واقع ترکیه با دنبال کردن این سیاست چندوجهی تلاش دارد از فشار آمریکا بر خود کاسته تا بتواند بازی در عرصه‌های جدید نظام بین‌الملل را جایگزین روابط یک سویه خود با آمریکا کند. البته تأکید ترکیه بر عرصه‌های جدید به طور کامل جدای از رویکرد آمریکا نیست بلکه مبتنی بر مکمل بودن آن است تا از این طریق هم بدبینی آمریکا را کاهش و هم بازیگری خود را تسهیل کند (باقری دولت‌آبادی و نوروزی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

یکی دیگر از عواملی که زمینه دوری ترکیه از آمریکا را به وجود آورده نقش گروه‌های غیردولتی و جامعه مدنی در سیاست خارجی این کشور است که نگاه مثبتی به آمریکا ندارند. در این خصوص نظر غالب آن است که کشورهای غربی همانند گذشته که باعث نابودی امپراتوری عثمانی شدند قصد نابودی ترکیه را دارند. علاوه بر این فرهنگ آمریکایی تقریباً جلای خود را نزد مردم ترک از دست داده و این از سوی آمریکایی‌ها به عنوان چالشی بنیادی یاد شده است (فلاح، ۱۳۸۶: ۸۵). به این ترتیب سیاست خارجی متوازن‌ساز حزب عدالت و توسعه با در پیش گرفتن سیاست چندوجهی دیگر تنها به طور مطلق بر غرب‌محوری و آمریکاکرایی قرار نداشته بلکه در این مسیر متوازن‌ساز حتی گسترش روابط این کشور با روسیه تا جایی بوده که بسیاری از نخبگان این کشور معتقد به جایگزینی این کشور در سیاست خارجی ترکیه به جای آمریکا و اروپا هستند. بر همین اساس بسیاری از تحلیلگران، گرم شدن روابط مسکو و آنکارا را به دلیل کاهش و تضعیف اتحاد آمریکا و ترکیه ارزیابی می‌کنند (سلیمانی و رجبی قره قشلاقی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). البته در طیف مقابل برخی نخبگان ترکیه، روسیه را با سو ظن عمیق می‌نگرند، یا به این دلیل که آن‌ها طرفدار آینده ترک با بودن در بلوک غرب هستند یا به این دلیل که اعتقاد دارند روسیه در نهایت پس از استفاده تأمین منافع‌اش به ترکیه خیانت خواهد

کرد (Tzogopoulos, 2018: 4). اما در حال حاضر آن چه که اهمیت دارد حاکم بودن نگرش رهبران حزب عدالت و توسعه در تعدیل دشمنی با روسیه است.

۲-۲-۴. روابط با اتحادیه اروپا

پیوستن به اروپا همواره یکی از دغدغه‌های ترکیه بوده و بر خط فکری سیاستمداران این کشور در طول تاریخ تأثیر گذاشته است. اما موانع عمده‌ای بر سر راه ورود این کشور به اتحادیه اروپا وجود داشته و خواهد داشت و لذا خود ترک‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که به نظر نمی‌رسد در آینده‌ای نزدیک اروپا مجوز ورود این کشور به اتحادیه را صادر کند. بنابراین به مانند رابطه ترکیه با آمریکا، ناکامی این کشور در رسیدن به این هدف در یک دهه اخیر اتوماتیک‌وار آنکارا را به سمت نزدیکی بیشتر به منطقه و مسکو سوق داده است (روحی و شفیع، ۱۳۹۴: ۳۶). چرا که اعتقاد گسترده‌ای در میان ترکان وجود دارد که ترکیه همواره مورد تبعیض قرار گرفته و همچنان این تبعیض ادامه دارد. براین اساس رویای عضویت اتحادیه اروپا برای ترکیه تا حد بالایی زوال یافته به گونه‌ای که دیگر مدار سیاست خارجی این کشور نیست (Ulgen, 2011: 6). به ویژه که نخبگان حزب عدالت و توسعه همانند بخش عظیمی از افکار عمومی این کشور، بر این باورند که اتحادیه اروپا تا جایی در خواسته‌های خود پیش می‌رود که هویت ترکیه و ترک‌ها را تغییر دهد (Petrović, 2011: 2). اوغلو در انتقاد از این رویه اتحادیه اروپا معتقد بود هیچ کس نمی‌تواند بگوید اگر ترکیه به اتحادیه اروپا بپیوندد، بار سنگینی بر دوش اتحادیه خواهد بود. بلکه برعکس، ترکیه با پویایی اقتصادی، مشارکت سیاسی و تامین استراتژیک صلح یک دارایی بزرگ برای اروپا خواهد بود (Adams Brubaker & Adams, 2011: 10). می‌توان گفت سیاست منتظر نگه داشتن ترکیه از سوی اتحادیه اروپا یک سرخوردگی در این کشور به وجود آورده است و بر همین اساس بسیاری از مقامات و کارشناسان ترک از لزوم نزدیک شدن روابط با روسیه سخن می‌گویند. طبق این دیدگاه، نزدیکی ترکیه به روسیه قدرت چانه‌زنی بیشتری در روابط با اتحادیه اروپا را به همراه دارد. همچنین رهبران ترک در موارد متعدد عضویت در اتحادیه گمرکی به رهبری روسیه و سازمان همکاری‌های شانگهای به رهبری چین و روسیه را به عنوان جایگزین اتحادیه اروپا قلمداد کرده‌اند. جالب‌تر آن که در ترکیه یک لابی سیاسی و اقتصادی ضد اتحادیه اروپا وجود دارد که براساس آمارهای مبتنی بر تجارت «رفت و برگشت» یا «چمدانی» استدلال می‌کند که وضعیت اقتصادی ترکیه یا پیگیری توافق‌های تجارت آزاد با کشوری همانند روسیه به مراتب بهتر خواهد بود تا این که ترکیه بخواهد تمام سیاست تجاری

خود را براساس اتحادیه گمرکی موجود با اتحادیه اروپا قرار دهد. این استدلال‌ها نشان دهنده‌ی احساس فزاینده سرخوردگی از اتحادیه اروپا می‌باشد. به موازات این سرخوردگی، همان طور که گفته شد احساسات عمومی در ترکیه نیز در حال تغییر جهت دادن از ایده‌ی به عضویت درآمدن در اتحادیه اروپاست، به عنوان مثال در اواخر سپتامبر ۲۰۰۵ یک همه پرسی حاکی از کاهش حمایت از این عضویت از ۸۵ درصد به ۶۵ درصد بود (هیل و تاسپینار، ۱۳۸۵: ۱۷۰). علاوه بر این تصمیم‌سازان سیاست خارجی حزب عدالت بر این باور هستند که اتکاء بیش از حد ترکیه در سیاست خارجی به اتحادیه اروپا نتوانسته است منافع ملی ترکیه را در بالاترین حد آن تأمین نماید (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۴۵). در نتیجه اگرچه اروپایی بودن ترکیه باعث جذابیت این کشور می‌شود (پارسایی، ۱۳۹۵: ۱۰۹) اما کنش‌هایی از سوی این اتحادیه مانند عدم اعطای ویزای شینگن و مخصوصاً به تأخیر انداختن پرونده عضویت ترکیه باعث احیای تمایل این کشور به متنوع ساختن محورهای سیاست خارجی خود و خارج شدن از انحصار روابط خود با غرب شده که مهمترین محور در این زمینه از نظر ترک‌ها روسیه می‌باشد که در این میان نیازهای متقابل دو کشور در حوزه اقتصادی نقش محوری در این نزدیکی هرچه بیشتر داشته است.

۵. آینده‌بینی روابط ترکیه با روسیه

با توجه به ملاحظات و نیز نیازهای استراتژیک و اقتصادی ترکیه و روسیه نسبت به یکدیگر، باید گفت که تبیین نوع روابط آینده آن‌ها کار ساده‌ای نیست. چرا که از یک سو این دو کشور رقابتی تاریخی بوده‌اند و هنوز درگیری منافع آن‌ها در قفقاز، آسیای میانه و خاورمیانه وجود دارد. از سوی دیگر طی دو دهه گذشته رابطه آن‌ها به سطح دوستانه‌ای رسیده است (Bechev, 2015: 2). بر همین اساس است که ایگور تورباکوف این روابط را «دوگانه سیاسی^۱» توصیف می‌کند (Mikhelidze, 2017: 4).

به عبارتی روابط ترکیه و روسیه همواره مجموعه پیچیده‌ای از بازی‌های ژئوپلیتیک بوده است که در آن مسائل انرژی به طور قابل توجهی امکان واگرایی بین دو کشور را کاهش داده است. این امر به ویژه در خصوص ترکیه محسوس است و بر همین اساس این کشور همواره تا حد امکان منافع اقتصادی

خود را پیش از استراتژی‌های سیاسی در نظر می‌گیرد چرا که ۶۵ درصد از واردات گاز ترکیه و ۲۰ درصد از واردات نفت آن از روسیه است (Mikhelidze, 2017: 11). روسیه همچنین در بخش تورسیم، تکنولوژی ارتباطات و انرژی ترکیه سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را انجام داده است. اما با وجود این روابط گسترده، به نظر می‌رسد که تصور کردن روابط ترکیه و روسیه در سطح استراتژیک و راهبردی ساده‌انگاری می‌نماید و چندان با واقعیت سازگار نیست. چرا که در بهترین حالت باید گفت افزایش روابط دو کشور در سطوح مختلف یک توافق مرحله‌ای و تاکتیکی برآمده از جایگزینی نخبگان و تعدیل فشارهای ساختار است. از همین رو انتظار افزایش سطح همکاری بین دو کشور تا مرحله استراتژیک امری بعید است. به واقع هنوز چالش‌های عمده‌ای بین این دو کشور وجود دارد که به سادگی امکان عبور از کنار آن‌ها وجود ندارد، در نتیجه اگرچه نوع روابط دو کشور در دو دهه اخیر نشان داده که امکان شکل‌گیری همکاری و تعامل بین مسکو و آنکارا در سطح بسیار بالایی وجود دارد؛ اما نباید فراموش کرد که برای گذر از سطح روابط تاکتیکی و رسیدن به همکاری استراتژیک باید راه طولانی طی شود و این امر با وجود چالش‌های بسیاری که بین دو کشور وجود دارد چندان ساده نیست، به این ترتیب به نظر همکاری بین روسیه و ترکیه در درازمدت همچنان حالت رقابتی خواهد داشت (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). حالتی که در قالب مفهوم «دوستی محتاطانه- رقابت آگاهانه» قابل تفسیر است چرا که دو کشور نه می‌خواهند و نه می‌توانند یکدیگر را نادیده بگیرند. بنابراین دو کشور به دلیل نیازهایی که به یکدیگر دارند به ناچار به یکدیگر نزدیک شده، اما این نزدیکی با احتیاط کامل انجام می‌شود تا از ایجاد وابستگی فزاینده جلوگیری کنند و در مواقع لزوم آلترناتیوهای جایگزین را بتوانند در دست داشته باشند. از سوی دیگر متغیرهای منجر به چالش و تنش بین دو کشور به اندازه‌ای ملموس است که این دو کشور چاره‌ای جز رقابت آشکار در جهت کاهش نفوذ حریف را ندارند ولی نکته قابل تامل آن است که همان ملاحظات در بُعد امنیتی و نیازهای اقتصادی بین دو کشور نسبت با یکدیگر باعث می‌شود تا حد امکان دو کشور از ارتقاء این رقابت به تخاصم و دشمنی جلوگیری کنند. به این ترتیب می‌توان گفت که بخش اقتصادی بین دو کشور در آینده با رشد و گسترش همراه خواهد بود و در صورت فراهم بودن شرایط سیاسی و امنیتی این همکاری اقتصادی تا سطح بسیار بالاتری از روند کنونی افزایش خواهد یافت، اما با توجه به این که این گسترش به معنی همراه آوردن دو معیار آسیب‌پذیری و حساسیت در دو کشور خواهد بود در نتیجه وزنه‌های جایگزین برای شرایط احتمالی تنش‌زا در ذهن تصمیم‌گیرندگان هر دو کشور همواره مطرح است.

نتیجه گیری

روابط ترکیه و روسیه با فراز و نشیب‌های بسیار معلول متعدد و متفاوتی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. این روابط را می‌توان در دوران تاریخی مبتنی بر دشمنی، در دوران جنگ سرد و تا قبل از فروپاشی شوروی روابط تیره، در دوران پس از فروپاشی تعدیل دشمنی و با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه روابط دوستانه نامید. به معنای درست دوره‌ای که حزب عدالت و توسعه راهبر سیاست خارجی ترکیه بوده را باید نقطه اوج تعامل و دوستی این کشور با روسیه نامید. در این تحول استثنایی دو عامل بیش از سایر عوامل نمود دارد. عامل اول که پایه و اساس این تحول تلقی می‌گردد نقش افراد کارگزار این حزب است چرا که در این دوره رهبران این حزب بیش از هر عامل دیگری مشوق روابط دوستانه با روسیه بودند. تأثیر این نگرش‌های فردی باعث شد تا نزدیک به یک دهه مشخصه روابط دو کشور گسترش دیدارهای دوجانبه در سطح مقامات بلندپایه و روابط نزدیک در سطح رهبری میان آن‌ها باشد. بنابراین برپایه متغیر فرد نگرش‌های ذهنی رهبران حزب عدالت و توسعه نقش عمده‌ای در تأثیرگذاری بر روابط این کشور با روسیه در قالب تعاملی داشته است. به این معنا که رهبران این حزب رویکرد تعاملی و کانتی را در قبال روسیه جایگزین نگرش هابزی و واگرایانه تاریخی کردند. به واقع در دوره حاکمیت این حزب بهبود روابط با روسیه از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. عامل دوم موثر در تحول نگرش و کنش ترکیه به روسیه متغیر ساختار بوده است. در این سطح تحول رابطه ترکیه با بازیگران اصلی ساختار یعنی آمریکا و اروپا زمینه‌ساز تحول در رابطه آن با روسیه شده است. به این معنا که عدم همترازی منافع بین آمریکا و ترکیه و تلقی ترک‌ها از اتحاد این کشور با آمریکا برپایه متحدی کوچک و به موازات آن عواملی مانند معطل نگه داشتن و ناکامی ترکیه در ورود به اتحادیه اروپا و نیز رنگ باختن جلای جذابیت عضویت در این اتحادیه باعث احیای تمایل ترکیه به متنوع ساختن محورهای سیاست خارجی خود و خارج شدن از انحصار روابط خود با غرب شد که مهمترین محور در این زمینه از نظر ترک‌ها روسیه بوده است. به این ترتیب باید اذعان کرد که دو متغیر فرد و ساختار عواملی محسوب می‌شوند که در تغییر کنش ترکیه به روسیه و برقراری روابط دوستانه قریب به دو دهه بین این دو کشور نقش اساسی داشته‌اند، عواملی که رابطه ترکیه با روسیه را از قالب دشمنی حداکثر به دوستی حداقل تغییر داد. اما این که آیا این روابط در سال‌های آتی بر همین مدار تعاملی و دوستانه خواهد چرخید یا خیر؟، باید گفت که روابط بین دو کشور در حوزه اقتصادی همچنان دوستانه ادامه خواهد کرد و این روابط در صورت فراهم شدن زمینه

استراتژیک به اوج خواهد رسید. اما با این وجود به نوعی همچنان رقابت در سطح حوزه‌های دارای منافع اختلاف‌زا بین آن‌ها باقی خواهد ماند بدون آن که منجر به تخاصم و تقابل جدی و نظامی شود. این به معنای جدا کردن دو حوزه روابط اقتصادی و سیاسی و نگاه عمل‌گرایانه به حوزه سیاست خارجی دو کشور نسبت به هم خواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اطهری، سیداسدالله؛ شعیب، بهمن و علی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۱)، «نقش انرژی در توسعه روابط روسیه و ترکیه»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۲۰-۱.
- باقری‌دولت‌آبادی، علی و جعفر نوروزی‌نژاد (۱۳۹۲)، «بررسی علل دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه براساس رهیافت سازه‌انگاری»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، شماره ۷، صص ۱۳۸-۱۰۵.
- پارسایی، مهدی (۱۳۹۵)، «بررسی روابط اتحادیه اروپا و ترکیه»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۱۰، صص ۹۸-۱۱۲.
- جلالی بارنجی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «تحلیل تصمیم‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس مدل پیش‌تئوری روزنا»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۷۴-۴۹.
- حسینی، سیده مطهره؛ ابراهیمی، طالب و شاه قلعه، صفی‌الله (۱۳۹۱)، «اتحادیه اروپا در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲)»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۳۸-۲۱.
- حیدری، محمدعلی و رهنورد، حمید (۱۳۹۰)، «نوع‌ثمانی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه با تکیه بر تحولات بهار عربی»، **فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری**، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۳۵.
- خلج‌منفرد، ابوالحسن (۱۳۹۵)، «اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن در ترکیه»، **فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر**، سال هفتم، شماره ۴، صص ۹۱-۶۷.
- دانش‌نیا، فرهاد و هاشمی، مسعود (۱۳۹۳)، «تحولات سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و تبیین مولفه‌های تأثیرگذار بر آن (۲۰۱۴-۲۰۰۲)»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال ششم، شماره ۳۹، صص ۷۲-۴۳.
- روحی، محبوبه و شفیعی، نوذر (۱۳۹۴)، «تجزیه و تحلیل روابط روسیه و ترکیه براساس تئوری لیبرالیسم (۲۰۱۴-۲۰۰۲)»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره بیست و پنجم، صص ۴۶-۲۵.

- روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهان؛ نظریه‌ای درباره دگرگونی و پیوستگی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر روزنه.
- سلیمانی، غلامعلی و رجیبی قره قشلاقی، جعفر (۱۳۹۰)، «ترکیه و ایفای نقش چهارراه انرژی»، فصلنامه مطالعات منطقه ای، شماره ۴۱، ۱۴۴-۱۱۹.
- سیف زاده، حسین (۱۳۹۳)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۶)، «بررسی منابع چالش در روابط ترکیه با آمریکا»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۳۲، صص ۹۳-۷۹.
- کرمی، جهانگیر و نجفی، زینب (۱۳۹۰)، «همکاری‌های روسیه و ترکیه؛ هدف‌ها، گستره و چشم اندازها»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۹، صص ۷۸-۵۹.
- کریمی فرد، حسین؛ افشاری، یونس و رحیمی، علی (۱۳۹۶)، «تبیین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه جیمز روزنا (۲۰۱۷-۲۰۰۳)»، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره چهارم، شماره ۸، صص ۱۰۲-۷۱.
- کشاورزشکری، عباس (۱۳۹۱)، «عملکرد حزب اسلام‌گرایی عدالت و توسعه ترکیه در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال اول، شماره ۴، صص ۱۵۹-۱۲۷.
- گل‌محمدی، ولی (۱۳۹۴)، «پویایی‌های امنیتی روابط روسیه و ترکیه (۲۰۱۵-۲۰۰۱)»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۴، صص ۱۱۷-۸۵.
- مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داود و فروغی، عاطفه (۱۳۹۱)، «تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر امنیت ملی ترکیه در پرتو تئوری توازن قوا»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۲، صص ۸۲-۶۷.
- مفیدی احمدی، حسین و مهدی ذاکریان (۱۳۹۴)، «اروپایی شدن و تغییر گفتمان امنیتی در ترکیه (مطالعه موردی عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۷.
- نجفی، زینب (۱۳۹۰)، «مقایسه عوامل موثر بر روابط فدراسیون روسیه با دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷، صص ۱۷۰-۱۳۵.
- هیل، فیونا و تاسپینار، عمر (۱۳۸۵)، «روسیه و ترکیه در قفقاز؛ حرکت مشترک در جهت حفظ وضع موجود»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، شماره ۵۴، صص ۱۸۶-۱۶۷.

- Adams Brubaker, Rebecca and Julie Adams (2011), **Turkey's Foreign Policy in a Changing World: Old Alignments and New Neighbourhoods**, University of Oxford: South East European Studies at Oxford.
- Ali Sezal, Mustafa (2016), "Transformation of Turkey's Foreign Policy: From Proactivity to(Religious) Idealism", Joint International Conference, Ljubljana, Slovenia, Available at: <http://www.psa.ac.uk/sites/default/files/conference/papers/2015.pdf>.
- Aras, Bülent(2009)," Davutoğlu Era in Turkish Foreign Policy", **Insight Turkey**, Vol. 11, No. 3, p 1-16.
- Aras, Bülent(2017), "Turkish Foreign Policy after July 15, Istanbul Policy Center", Available at: <http://www.ipc.sabanciuniv.edu/publication/english-turkish-foreign-policy-after-july-15/?lang=en>.
- Aslan, Davut Han, Eralmac, Omurcan and Senol Ozaydin(2016), "Turkey's Foreign Policy and the Middle East under AKP Rule(2002-2012)", **Zeszyty Naukowe Uczelni Vistula**, Vol. 48, No. 3, 5-24.
- Barchard, David(1985), **Turkey and the west**, London: Routledge & kegan paul.
- Bechev, Dimitar(2015), "Russia and Turkey What does their partnership mean for the EU?", **European Policy Centre**, Available at : [http:// www.epc.eu/pub_details](http://www.epc.eu/pub_details).
- Buhari-Gulmez, Didem (2015), "The clash between Putin and Erdoğan represents a turning point in Russian-Turkish relations", **European Politics and Policy**, Available at: <http://blogs.lse.ac.uk/europpblog/2015/12/09> .
- Dalacoura, Katerina(2017), "A New Phase in Turkish Foreign Policy: Expediency and AKP Survival", **Future notes, Istituto Affari Internazionali(IAI)**, No. 4, 1-6.
- Dalay, Galip(2016), "Turkish Foreign Policy after Davutoglu: Continuity vs. Rupture", **Al Jazeera Centre for Studies**, Available at: <http://www.studies.aljazeera.net>.
- Demiryol, Tolga (2013), "Does Asymmetric Economic Interdependence Promote Political Cooperaion? The Political Economy of Russian-Turkish Energy Relations", **Conference: European Consortium of Political Research (ECPR)**, At Sciences Po Bordeaux, Domaine Universitaire: Bordeaux.

- Dinc, Cengiz (2012), "Transformation of Turkish Foreign Policy toward the Middle East: From Non-Involvement to a Leading Role", **Alternatives, Turkish Journal of International Relations**, Vol. 11, No. 4, 67-84.
- Ekrem, Yaşar(2016), "Turkey's Eu Policy under first Era of Prime Minister Ahmet Davutoglu", **International Journal of Social Science**, No. 48, 115-123.
- Erdogan, Birsen(2017), **Humanitarian Intervention and the Responsibility to Protect Turkish Foreign Policy Discours**", Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Görener, Aylin Ş. and Meltem Ş. Ucal (2011), "the Personality and Leadership Style of Recep Tayyip Erdoğan: Implications for Turkish Foreign Policy", **Turkish Studies**, Vol. 12, No .3, 357–381.
- Grigoriadis, Ioannis N.(2010), "The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy, Hellenic Foundation for European and Foreign Policy(ELIAMEP)", Available at: <http://www.researchgate.net/publicat/1-12>.
- Gulbahar Yelken, Aktas (2010), **Turkey's Foreign Policy: New Concept and Reflections**, Middle East Technical University: School of Social Sciences.
- Mikhelidze, Nona (2017), "The Moscow-Ankara Energy Axis and the Future of EU-Turkey Relations", Available at: http://www.jai.it/sites/default/files/feuture_op_5.pdf.
- Oguzlu, Tarık(2016), "Davutoglu Legacy in Turkish Foreign Policy, Wise Men Center for Strategic Studies(BILGESAM)", **International politics**, No. 1323, 1-5.
- Özbay, Fatih (2011), "The Relations between Turkey and Russia in the 2000", **Perceptions**, Vol. 16, NO. 3, 69-92.
- Özertem, Hasan Selim (2017), "Turkey and Russia: A Fragile Friendship", **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 15, No. 4, 121-134.
- Pajaziti, Ali (2012), "Davutoğlu: Thinking Depth and Global Political Activism as New Grand Strategy", **Contemporary issues**, Vo. 5, No. 1, 45-51.
- Petrović, Žarko(2011), "Turkey in the Western Balkans: The Means and Goals of the New Foreign Policy", **International and Security Affairs Centre**, Available at: http://www.isac-fund.org/download/Turski_papir.pdf.
- Rosenau, James N., (1971), **The Scientific Study of Foreign Policy**, New York: Free Press.
- Şener, Aktürk, Toni, Alaranta & Bechev Dimitar(2016), "Russia-Turkey Relations", **Russian Analytical Digest(RAD)**, No. 179, 1-17.
- Tarık Oğuzlu, H(2018), "Turkish Foreign Policy in a Changing World Order", **All Azimuth**, No. 0, 1-13.

- Titov, Alexander (2015), "Russia and Turkey: a Long History of Turbulent Relations", European Sources Online, Available at: <http://www.europeansources.info/record/russia-and-turkey-a-long-history-of-turbulent-relations/>.
- Tzogopoulos, George N.(2018), "What Are the Implications of the Russian-Turkish Rapprochement?", **Center Online Debate**, No. 5.
- Ulgen, Sinan (2011), "A Place in the Sun or Fifteen Minutes of Fame? Understanding Turkey's New Foreign Policy", Carnegie Papers, Available at:<http://www.carnegieend.org>.
- Warhola, James and William Mitchell (2006), "The Warming of Turkish-Russian Relations: Motives and Implications", **The Journal of Post-Soviet Democratization**, Vol. 14, No. 1, 127-143.
- Yesiltaş, Murat and Ismail Numan Telci (2013), "Turkish Foreign Policy under Regional Transformations", **Al Jazeera Center for Studies** , Available at: [http:// www.studies.aljazeera.net](http://www.studies.aljazeera.net).
- Yuksel, Ustun (2016), **Change and Continuity: Turkish Foreign Policy since 2002, under the Justice and Development Party(Adalet ve Kalkinma Partisi-AKP)**, Master's Theses, New York: Cuny City College.
- Zanotti, Jim and Clayton Thomas (2018), "Turkey: Background and U.S. Relations", **Congressional Research Service**, Available at: http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/R4_1368.pdf.
- Zarakol, Ayşe(2016), "Turkey and Russia, Erdoğan and Putin," Ponars Eurasia, Policy Memos, No. 444, Available at: <http://www.ponarseurasia.org/memo/turkey-and-russia-erdogan-and-putin>.